

باران ۱۰۸ میلیون تومان به ناشران خسارت زد

بخش فرهنگی – به گفته قائم مقام نمایشگاه کتاب؛ گزارش نهایی از خسارت‌ها هنوز نهایی نشده و در حال تکمیل است. با این حال برآوردها نشان می‌دهد که در بخش کودک و نوجوان ۶۵ میلیون تومان و در بخش آموزشی ۴۳ میلیون تومان به ناشران خسارت وارد شده است.

امیرمسعود شهرام‌پنا (قائم مقام نمایشگاه کتاب) در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، درباره برآورد خسارت‌های ناشی از باران روز جمعه در شهر آفتاب گفت: شهرداری تهران پذیرفته است به تمام خسارت‌های باران به ناشران را در نمایشگاه کتاب پرداخت کند. برای تعیین خسارت‌های بخش‌های مختلف هم با دقت و بدون عجله اقدام کرده و می‌کنیم تا حق هیچ ناشر خسارت دیده‌ای تضییع نشود.

او در تکمیل توضیحاتش درباره برآورد خسارت‌ها اظهار داشت: گزارش نهایی از خسارت‌ها هنوز نهایی نشده و در حال تکمیل است. با این حال برآوردها نشان می‌دهد که در بخش کودک و نوجوان ۶۵ میلیون تومان و در بخش آموزشی ۴۳ میلیون تومان به ناشران خسارت وارد شده است.

قائم مقام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران همچنین از تشکیل کارگروهی برای تعیین خسارت خبر داد و گفت: در این کارگروه نماینده شهرداری، نماینده ارشاد و نماینده صنوف حضور دارند و مشغول برآورد دقیق خسارت‌های سایر بخش‌ها هستند. پرداخت مبالغ خسارت نیز به زودی از طریق شهرداری انجام می‌شود.



سالار عقلی:

حال همه ما خوب است

بخش فرهنگی – عصر روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه در یک اتفاق نادر درست بعد از اتمام برنامه، سن سالن اجرای کنسرت سالار عقلی و گروه «راز و نیاز» در شهر آمل فرو ریخت.

ویدئوی این اتفاق بارها و بارها در شبکه های اجتماعی دست به دست شده و موجی از نگرانی را برای هواداران این خواننده و اصحاب رسانه ایجاد شد.

سالار عقلی درباره جزئیات این حادثه به هنرآنلاین، گفت: اجرایی برای روز معلم و پاسداشت و به احترام فرهنگیان شریف استان مازندران را طی دو شب در این سالن برگزار کردیم، با این اجرا استقبال فوق العاده ای صورت گرفت بصورتی که شب قبل از حادثه ۳ هزار نفر و شب حادثه نیز ۲ هزار نفر مخاطب در سالن کنسرت حضور داشتند.

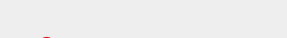
خواننده سنتی افزود: ما در این برنامه با یک دنیا عشق زیرتوار ملی و مهنی را با همراهی گروه «رازنیاز» روی سن بردیم و درست بعد از پایان برنامه زمانی که مشغول تعظیم به احترام مردم بودیم آن حادثه تلخ رخ داد.

او ادامه داد: در این حادثه همسرم خاتم حریر شریعت زاده کمی از ناحیه سر دچار مشکل شده و بلافاصله به بیمارستان مراجعه کردیم و بعد از انجام آزمایشات و چک آپ خوشبختانه مشکل جدی متوجه ایشان نبود و همان نیمه های شب از بیمارستان مخصر شدند.

عقلی اضافه کرد: جراحات ایشان شاید چندان جدی نباشد اما به هر حال شوکی که به ایشان و همه اعضای گروه وارد شده تاثیر خوبی روی همه ما نداشت و امیدوارم برای امروز بتوانیم از حضور ایشان بهره مند شویم. در کل حال همه ما خوب است.

او در پایان نیز گفت: از تمام مردم شریف ایران و اصحاب رسانه که نگران حال ما بوده و پیگیر این مشکل بودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.

رضا نامجو مدیر رسانه ای عقلی نیز درباره علت این حادثه به هنرآنلاین گفت: دلیل فرو ریختن سن استحکام ناکافی استیج بوده است. این در حالی است که پیش از این از سوی گروه تذکراتی در این زمینه به مسئولان سالن داده شده بود. همچنین این حادثه خسارت مالی برای گروه در پی نداشت.



با عرضه قسمت هفتم

«عاشقانه» به قولش وفا کرد

بخش فرهنگی – با وجود برخی شایعات درباره پخش نشدن قسمت جدید سریال «عاشقانه» این مجموعه طبق زمان اعلام شده، روز دوشنبه (۱۸ اردیبهشت‌ماه) توزیع شد. به گزارش ایسنا، منوچهر هادی – کارگردان مجموعه «عاشقانه» – به تازگی مصاحبه‌ای انجام داده و درباره وضعیت فیلمبرداری این پروژه گفته است: طی یکی، دو روز گذشته قسمت‌های مربوط به حسین یاری، فرزاد فرزین و ساره بیات در این پروژه فیلمبرداری شد و این سه بازیگر نیز بازی‌شان به طور کامل به پایان رسید.

او ادامه داد: تا آخرین روز فیلمبرداری این سریال، بازی محمدرضا گلزار، هومن سیدی و سارا رسول زاده ادامه خواهد داشت و سکانس پایانی نیز با حضور این بازیگران مقابل دوربین خواهد رفت.

هادی اظهار کرد: پس از وقفه کوتاهی که در فیلمبرداری به وجود آمد خوشبختانه با همراهی صمیمانه بازیگران، سرمایه گذاران و عوامل پشت دوربین، این وقفه جبران شد و در نهایت مشکلی نیز برای توزیع قسمت‌های آینده مجموعه وجود نخواهد داشت.

کارگردان «عاشقانه» در پایان گفت: تمامی عوامل پروژه «عاشقانه» تلاش کردند تا اثری شایسته مخاطب تولید کنند و خوشبختانه با بازخوردهایی که تاکنون نسبت به مجموعه داشتیم اکثر مخاطبان از محتوا و بازی بازیگران رضایت کامل داشتند که این جای خوشحالی دارد. با این حال امیدوارم مخاطبان تا قسمت پایانی «عاشقانه» همراه ما باشند و از اتفاقات غافلگیر کننده ای که تا قسمت ۱۵ مجموعه رخ می‌دهد، لذت ببرند.

{فر هنگ و هنر }

آخرین و جدیدترین شیوه بداهه به روش s.b.m.c

نریمان ستارزاده

بازیگری مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری است که در رابطه با نیازهای اجتماعی شکل می‌گیرد. بازیگری می‌تواند فاصله بین تغییرات در نهادهای گوناگون و تغییرات فرهنگی را حذف و یا کاهش دهد. بازیگری حرفه تاثیر بر دیگران و حرفه زندگی کردن است.
جریانی است که می‌تواند مجموعه اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها،دانش‌ها و مهارت‌های جامعه را به نسل جدید منتقل کند. بازیگر باید بی‌اخلاقی زمان معاصر را دریابد تا به آستانه آگاهی و رنج برسد. باید در خود تعهدی برای پاسخ به پرسش‌های اخلاقی زمانه احساس کند. بزرگی یک بازیگر متناسب با درکی است که از معضلات زمانه خویش دارد به زعم بسیاری از بزرگان حتی اگر هدف نمایش سرگرم کردن مردم باشد موضوع ارزش‌های اخلاقی حرف اول را می‌زند. نمایش، حاصل برقراری موقعیت‌های ناپایدار و جزر و مدهایی است که لحظه به لحظه بر صحنه روی می‌دهد، بازیگری حرف نیست عمل است هر حرکتی باید به همراه دلیل و دربرگیرنده هدفی مشخص و به قصد درونی – کلامی – جسمانی. کنش درونی بستگی به توانایی بازیگر در رویت تصاویر خودجوش خیالی دارد. گویی او شاهد دیدن فیلمی متحرک در ذهنش است. بازیگر تصویری متحرک را در ذهنش بال و پر می‌دهد و آن را به بیرون می‌تاباند اگر بازیگر از تصویر ذهنی خود بیرون بیاید تنها حضورِی فیزیکی در صحنه خواهد داشت. تصویر ذهنی عامل برانگیختن حس همدردی با کاراکتر متن است. استفاده از تخیل برای جان‌بخشی به واقعیات رازی بزرگ در بازیگری است. نود درصد هنر بازیگری مرهون قوه تخیل بازیگر است. تخیل بازیگر را به واکنش صادقانه او می‌دارد. بدون آن، کلمات عمق ندارند. وقتی تصویر ذهنی پا به میان می‌گذارد واژه‌ها معنا می‌یابد.بازیگری صرفا احساس نیست بازیگری یعنی عمل. احساس زمانی به‌وجود می‌آید که تخیل به یاری عمل درآید. تصویر ذهنی همان تصویری است که از خوشتن داریم. براساس باورهایی که از خویش داریم ساخته شده است اما بی‌آنکه بدانیم اغلب این باورها در اثر تجارب گذشته شکل گرفته‌اند از مجموعه این تجربه‌هاست که در ذهن تصویری از خویش می‌سازیم. وقتی نقطه‌نظر یا باوری که از خویش داریم وارد این تصویر می‌شود برای خود ما هم حالت حقیقت پیدا می‌کند. همواره با توجه به تصویری که از خودمان داریم عمل می‌کنیم. در این خصوص بازیگران باید مراقب باشند که در تحلیل برای رسیدن به نقش به تم تصور ذهنی دست پیدا می‌کنند. تصویر ذهنی مقدمه می‌بنداید است که تمامی شخصیت ما براساس آن شکل می‌گیرد. بر این اساس تجربه‌های ما تصاویر ذهنی ما را تایید و تقویت می‌کنند و بدین‌صورت دور بسته‌ای چه خوب و چه بد آغاز می‌شود.بازیگران برای تسلط بر نقش به اعتماد و حرم نفس نیاز دارند.

باید بتوانند آن را به‌طور خلاق به‌کار گیرند باید خود را بشناسند. از نقاط قوت و ضعف خود آگاه باشند وقتی تصویر ذهنی بازیگر شایسته باشد می‌تواند احساس اعتماد به نفس کند. حس اعتماد بنفس با انجام تمرینات بداهه تقویت می‌یابد. بداهه یعنی بازی کردن هم‌پای لحظه‌ها بدون استفاده از متنی دراماتیک و بی‌هیچ‌گونه ضرب‌الاجل. بداهه بخشی مهم از بازیگری و مهارتی مستقل است کاوش در شخصیت و روابط و مناسبات و موقعیت‌ها و از همه مهم‌تر کاوش بازیگر از شخصیت خود از اهداف بداهه است چرا که سیر در قلمرو شناخت ناخودآگاه، خاطرات و عواطف بازیگر و همچنین رهایی از قیود، دیدگاه‌ها و حتی شعور آگاهانه و قضاوت‌های خود مطلبی بسیار اساسی است.

بازیگر به مرزی می‌رسد که می‌تواند خود را گسترش دهد و بدون احساس وظیفه در مقابل تماشاگران احساسات و تصورات خود را آشکار سازد. در بسیاری موارد در جریان بداهه چیزهایی به‌دست می‌آید که بعدا در اجرا گنجانده می‌شوند.از اساسی‌ترین امور بداهه کاوش در عرصه تخیل و آزادسازی نیروی شهود است. شهودی که ورای استدلال منطقی است. به زعم مارلون براندو لحظاتی ورای تکنیک. این مبحث یادآور مطلبی در سیر و سلوک درخصوص کشف و همت است اگر کشف را معادل شهود و همت را معادل استدلال منطقی درنظر بگیریم این دو با یکدیگر معارض هستند.

– حافظ در وقتی که به‌کشف نرسیده می‌گوید

عاقبت دست بر آن سرو بلندش برسد

وقتی به‌کشف می‌رسد می‌گوید

من و مقام رضا بعد از این و شکر رقیب

که دل به‌درد تو خو کرد و ترک درمان گفت

اهل همت اهل حجاب و اهل کشف اهل شهودند. صاحبان همت دارای قصد، نظر و اراده‌اند. اهل شهود بی‌قصد، بی‌نظر و بی‌اراده‌اند. این‌ها به فئای افعالی رسیده قصد و نظر و اراده‌شان در راه حق متعالی فانی شده و آنها هنوز نرسیده و از خود نظر دارند چون حال آنها با یکدیگر در تعارض است. از این جهت وقتی سالک محبوب می‌خواهد از همت به‌کشف برسد حیرتی به او دست می‌دهد. در این مرحله اگر به‌کشف سعی مکاشف شود استماع کلام و خطاب پدید آید و اگر به صفت بصیری مکاشف شود ذوق شهودی پدید آید. امروز بدیهه به اشکال گوناگون در بازی‌های تئاتری ایجاد انگیزه می‌کند. در شکل تمرین‌های کلاسی، در شکل موقعیت‌های مختلف همراه با گفتگو، در شکل تمرین‌های کارگاهی حتی برای نوشتن متن نمایشنامه از آن استفاده می‌کنند. استانیسلاوسکی به درستی کشف کرده بود که یکی از مشکلات بزرگ بازیگران از پیش‌بینی حوادث موجود در نمایش است به رغم مهارت بازیگر که می‌خواهد وانمود کند هیچ چیز را از قبل نمی‌داند و همه اتفاقات در لحظه انجام می‌گردد.

رفتار او در صحنه به وسیله حافظه او که جملات، حرکات و عکس‌العمل‌های او را در خود حفظ کرده‌اند هدایت می‌شود. این اطلاع قبلی حتی در بهترین شکل آن موجب بروز نشانه‌هایی در رفتار بعضی از بازیگران می‌شود که به موجب آن به اتفاقات آینده اشاره می‌کنند. در حالی که بنیاد بازیگری در این است که گویی اتفاقات در این لحظه در حال شکل‌گرفتن هستند و نباید اتفاقات آینده را در این لحظه افشا کرد و این دقیقا همان چیزی است که بداهه روی آن تاکید و تمرکز دارد. در بداهه چند چیز مهم است. اینکه بدانیم ما کجاییم؟ به چه مرحله‌ای از چه موقعیتی رسیده‌ایم. شخصیت‌ها چه رابطهای با یکدیگر دارند؟ و مهم‌تر از همه اینکه شخصیت‌ها در طلب چه هستند. به عبارت دیگر انگیزه و هدف کدام است؟ آنچه که مهم است این است که هدف، جنس و نوع بازی را تعیین می‌کند. وقتی بازیگر هدف خود را از حضور در صحنه بداند برای رسیدن به آن تلاش می‌کند صحبت کردن یا نکردن و حرکت کردن و یا نکردن، احساس آزادی می‌کند. کلمات حتی اگر خوراها بر زبان بازیگر بچرخد اما بازیگر هدف نهفته در آن را نداند فقط آن را ادا می‌کند در حالی که با داشتن هدف برای یافتن کلمات تلاش می‌کند. نظر به اینکه این تلاش در لحظه و در روند انتقالی از ذهن به بدن شکل می‌گیرد دارای انرژی است که در اصطلاح به آن ساتز می‌گویند. یعنی انرژی قابل تعلق که از قصد به کنش در لحظه پیش از کنش هنگامی که همه نیروی لازم آماده رهاشدن است به بدن جهت انجام کنش انتقال می‌یابد. ساتز لحظه‌ای است که در آن کنش اندیشیده شده توسط تمام ارگانسیم به عمل درآید و با تنش‌ها حتی در سکون واکنش نشان می‌دهد. این نقطه‌ای است که در آن کسی تصمیم می‌گیرد عمل کند. در این‌جا تمامی نیروی عضلانی، عصبی و ذهنی به سوی یک هدف هدایت شده است. این لحظه‌ای است که بازیگر خود را آماده می‌کند و از همان لحظه است که کنش آغاز می‌شود. آدلر در جایی می‌گوید اگر می‌خواهید مردم باورتان کنند باید همان‌گونه عمل کنید که مردم در زندگی روزمره عمل می‌کنند چرا که اگر بازیگر اجازه دهد فریب و نیرنگ ولو خفیف و کم‌رنگ وارد بازی‌اش شود مخاطب اعتمادش را به او از دست می‌دهد. انجام کنش در صحنه مستلزم پاسخ به سوالات زیر است:

۱ – چه کسی آن را انجام می‌دهد؟
۲ – در کجا به وقوع می‌پیوندد؟
۳ – پیرامون چه چیزی روی می‌دهد؟
۴ – او چه هنگام این عمل را انجام می‌دهد؟
۵ – به‌خاطر چه کسی این کار را انجام می‌دهد؟
۶ – چرا او این کار را می‌کند؟ پرسش‌هایی از این دست بازیگر را وادار به تفکر، دین، گزینش و سرانجام تخیل درباره کاری می‌کند که قرار است در شرایط محیطی انجام دهد. بازیگران هنگام بداهه هرچه‌قدر تصاویر را دقیق‌تر ببینند میزان صداقتشان در گفتن کلمات بیشتر خواهد شد. کلماتی که اینک از تخیل شخصی آنان سرچشمه گرفته‌اند. شخصی کردن به بازیگر این امکان را

سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶

s.b.m.c روش

می‌دهد که به دنیای ضمیر ناآگاه خود وارد شود و عواطفش را جریان دهد. علاوه بر آن شرارت‌های نهفته شده در نقشش نیز توسط اجرای نمایش تخلیه می‌گردد.

جالب آنکه تخلیه این شرارت‌ها هم موجب خلاقیت بازیگر می‌شود و هم موجب تزکیه مشترک او و تماشاگر به قول مولانا

من چراغ و هر سرم همچون فئیل

هر طرف اندر گرفته از شرار

شمع‌ها می‌رشد از سرهای من

شوق تا مغرب گرفته از قطار
موضوع تزکیه که به اشتباه یا به عمد توسط اروپائیان به ارسطو نسبت داده شده تحت عنوان مهراس سیتا چند هزار سال قبل از ارسطو در نمایش‌های هندو ایرانی وجود داشت که به عنوان مثال می‌توان به نمایش سوگ سیاوش اشاره نمود که چندین هزار سال قبل از آنکه تمدن یونان به‌وجود آید در ایران وجود داشته و اجرا می‌شد. اما در خصوص روش **s.b.m.c** که توسط نگارنده در امر تقویت بداهه و بازیگری ارایه گردیده به عرض می‌رسانم که از این روش نه تنها در امر بازیگری بلکه حتی می‌توان در یادگیری زبان‌های خارجی نیز بهره برداری کرد.
کلمه **S** که اول اسم اینجانب می‌شود به منظور یادآوری ابداع این روش توسط نگارنده آن است. کلمه **b** از واژه بنج مارک انتخاب گردیده این واژه در نقشه‌برداری و راهسازی کاربرد دارد و به معنای تراز است یعنی نقطه‌ای که به عنوان پایه و معیار انتخاب می‌گردد و بقیه راه و مسیر و یا ساختمان با هم‌ترازی و بر معیار آن نقطه ساخته می‌شود. کاربرد آن در بداهه این است که گروه قبل از انجام تمرین حداقل دو جمله را انتخاب می‌کنند. این دو جمله به عنوان جملات تراز یا بنج مارک آغاز و پایان بداهه را مشخص می‌کنند.

با بیان جمله اول رسما بداهه آغاز و با بیان جمله دوم بداهه پایان می‌یابد. بازیگران علاوه بر انجام روند دراماتیک نمایش باید مابین دو جمله بنج مارک هم‌ترازی منطقی ایجادکنند به نحوی که نمایش و رویدادهای مربوط به آن را طوری پیش ببرند که به صورت منطقی بین جمله اول و دوم رابطه درستی ایجاد شود. در مراحل پیشرفته می‌توان جملات تراز دیگری به عنوان جملات میانی به بداهه اضافه کرد. توجه به این نکته ضروری است که بیان این جملات در روند نمایش حتما باید مربوط به رویدادها و اتفاقاتی باشد که در روند نمایش شکل می‌گیرد در غیر این‌صورت غیرمنطقی و به حالت الصاقی به متن تلقی گردیده و مردود است. کلمه **m** به معنی متد یا روش است و منظور از **C** به معنای کد است، نشانه و علامتی است که از یک واژه به واژه و یا به یک اصطلاح دیگر ذهن را درگیر می‌کند. مثلا اگر در یک تمرین بداهه گروه نمایش بخواهند تمرین خود را در جمله تراز: بعضی‌ها در سن سی، سرسخت می‌شوند را تغییر داده و به جای سرسخت معادل انگلیسی آن را به کار ببرند و بگویند **senstive** نظر به اینکه واژه فارسی سن سی و **senstive** به لحاظ وزنی و ریتمی تقریبا مشابه هستند واژه سن سی را می‌توانیم به عنوان کد واژه **senstive** نام برد. توجه به این نکته ضروری است که در یک جمله تراز واژه کد باید حتما هم وزن و هم ریتم واژه خارجی در جمله باشد همان‌گونه که ذکر گردید از این روش نه تنها در آموزش بازیگری بلکه حتی می‌توان در آموزش هر زبان خارجی بهره گرفت. در حال حاضر جمع کثیری از علاقه‌مندان به زبان‌های بیگانه مباردت به حفظ کلمات و جملات کنند. چه بسیارند کسانی که از فراموشی زبان‌های خارجی گله‌مند و شاکمی می‌شوند.

حال اگر از این روش به عنوان آموزش زبان خارجی استفاده شود دیگر نیازی نیست که واژه‌ها و کلمات خارجی را حفظ کنیم کافی است که جمله تراز فارسی و کد شده آن را به یاد بیاوریم. بلافاصله معنی کلمه خارجی به‌کار رفته در آن را به یاد خواهیم آورد. این از محسنات کلاس‌های بازیگری است که علاوه بر ارتقاء قدرت بیان و مذاکره و معاشرت می‌توان از آن به عنوان آموزش زبان نیز بهره گرفت. با توجه به این‌که این روش علاوه بر جنبه آموزشی آن بسیار جذاب و موثر است پیشنهاد می‌گردد که مربیان آموزشگاه‌های بازیگری از آن استفاده کنند.

«آباجان»؛ روایتی سانتی‌مانتال از دهه شصت



برگ برنده فیلم «آباجان» و جذاب‌ترین کاراکتر فیلمنامه اما کاظم (حمیدرضا آذرنگ) است. از آن شخصیت‌های منفی چندوقچی که به دنبال نان و آبی از طریق نام شهدا برای خودشان هستند.

پایان فیلم نیز نظیر ندارد و باز هم کلیشه‌منوی‌زده سینمای ایران را می‌شکند. حالا نه‌تنها خبر زنده ماندن و اسارت خلیل به خانه می‌رسد، بلکه کاظم که با دروغ شهادت برادر خانمش قصد سوءاستفاده داشته، خود قربانی موشک‌باران مدرسه‌ای می‌شود که در آن تدریس می‌کند. حتی پسرش جان سالم به در می‌برد. اما او با همان نیات و خلق‌و‌خوی منفی زیر آوار جان می‌دهد و لابد چیزی که بعدا او را تلقی می‌کنند…! «آباجان» با درنظر گرفتن تمامی نقاط قوت و ضعفش فیلمی نیست که تو را اذیت کند. آن هم در میان فیلم‌های ضعیف جشنواره پارسال. به‌هرحال قصه‌ای دارد و آغاز و پایانی که دل‌زده‌ت نمی‌کند. حتی می‌شد در چند بخش نیز نامزد جشنواره شود، اما کسی چه می‌داند. شاید چون فیلم متعلقه در زمینه سینمای جنگ نبود، این اتفاق برایش نیفتاد.

و پذیرش آن توسط زنان به‌عنوان یک حقیقت تلخ بوده.

آباجان اما در پذیرش شهادت پسرش واکنش‌های متناسبی با کاراکترش دارد. مرد زندگی‌اش را به‌نوعی با آمدن هوویی جوان‌تر از خودش سال‌ها پیش از دست داده. مرد حالا در بستر بیماری است و زمین‌گیر شده. از دختران و شوهرهایشان چندان رضایت ندارد و تنها دل‌خوشی‌اش در زندگی پسرش خلیل است که به جبهه رفته و دامادش کاظم به دروغ خبر شهادت او را آورده تا از این طریق به‌عنوان هم‌رمز خلیل و خانواده شهید، صاحب سمت شود.

آباجان اما به هیچ قیمتی حتی با شعرهایی مثل «خون او که رنگین‌تر از مابقی جوانان نیست»، تن به از دست دادن فرزندش نمی‌دهد. انگار از ابتدا هم به رفتن او رضایت نداشته. حتی دوست ندارد نام کوچک پشفه را به شهید خلیل دورانی تغییر دهند و از این زندگی، تنها و تنها پسرش را می‌خواهد؛ تنها حشش از این زندگی سخت و ملال‌آوری که داشته است. یکی از نکات تازه فیلم «آباجان» همین است. این‌جا با مادری مواجه هستیم که برخلاف روال رایج سینمای دفاع مقدس، این اتفاق شهادت فرزندش به‌هیچ‌وجه کنار نمی‌آید.

و چشمش مدام دنبال دختر شمسوی است. سرتوته قضیه هم

تنها با یک دیالوگ عجولانه بسته می‌شود. دیالوگی که او در مواجهه با خلیل که احتمال شهادتش می‌رود و واکنش آباجان و خانواده‌اش با این ترازوی گفته می‌شود: «این جماعت مرده‌پرست!»

کاراکترهای دیگری نیز در فیلم دچار ضعف شخصیت‌پردازی هستند، اما ممکن است شدت ضعف آن‌ها کمتر باشد. مثلا کاراکتری که ملیسا ذاکری بازی می‌کند، یا کاراکترهایی که محمود نظرعلیان، سعید آقاخانی و فریبا متخصص دارند. از

طرفی بازی‌ها هم یکدست نیست. سعید آقاخانی نه از پس لهجه‌اش برآمده و نه بازی خوبی ارائه داده، حتی در بعضی از سکانس‌ها زیادی از فیلم بیرون زده است.

درباره بازی فاطمه معتمدآریا نه اعتقاد مسعود فراستی را دارم که بدترین بازی کارنامه‌اش را داشته و نه متعقد هستم بازی آباجان در حد و اندازه‌های توانایی بی‌بدیل او در بازیگری و ایفای نقش‌های متفاوت است. حرکت لب‌های او برای ادای لهجه ترکی ضربه زیادی به میمیک چهره‌اش زده، طوری که تماشاگر متوجه تلاش زیاد او برای ادای لهجه زنجانی می‌شود. یک سکانس خیلی ضعیف نیز در بازی او وجود دارد. وقتی که از تلویزیون خبر اسارت خلیل را پخش می‌کنند و او با زمزمه علی‌علی به لهجه ترکی برای این‌که خبر زنده بودن خلیل را به مابقی خانواده برساند به حیاط می‌رود، نه‌تنها مخاطب را متاثر نمی‌کند، بلکه بابت اغراقی که در اجرا وجود دارد، ممکن است باعث خنده مخاطب شود.

در مقابل اما بازی شبنم مقدمی و لهجه‌اش از مابقی بازیگران قوی‌تر است. شبنم مقدمی دیگر ثابت کرده از پس هر نقش و هر لهجه‌ای برمی‌آید. شکارچی مهم‌ترین نقش‌های مکمل که اخیرا ایفای نقش او در فیلم «نفس» و ترنس آبیاز خیره‌کننده بود. غیر از شبنم مقدمی، بازی حمیدرضا آذرنگ نیز از استانداردها قابل توجهی برخوردار است. هرچند که باید مراقب باشد در ادای این‌گونه از نقش‌های منفی به تکرار نرسد.

کاراکتر آباجان در فیلمنامه چندان دچار اوج و فرود نمی‌شود. رازآلود نیست و زیادی خنثی و بی‌خیال است. هرچند که این انفعال در برابر هووی او بیشتر نمود پیدا می‌کند که لابد تاکید فیلم‌ساز به نوع برخورد بومی با هوو در دهه‌های اخیر